

بسم الله الرحمن الرحيم

متن درس خارج فقه استاد حدائق

۹ دی ۹۸

«لو كان الحرام المختلط في الحلال من الخمس أو الزكّات أو الوقف الخاص أو العام فهو كمعلوم المالك على الأقوى فلا يجزیه»

در مسئله‌ی سی و هفتم از مسائل خمس عروه، مرحوم محقق یزدی فرع دیگری را از اختلاط مال حلال با حرام بیان می‌فرمایند، تاکنون بحث اختلاط که مطرح می‌شد، اختلاط مال حلال با حرام مجهول‌المالک بود؛ اما در اینجا بحث از اختلاط مال حلال با معلوم‌المالک است.

فرع دیگری که در همین بحث اختلاط حلال با حرام پیش می‌آید. ممکن است مال حلال با حرام‌هایی مخلوط شود که در حقیقت مالک آن‌ها معلوم است، مثل اینکه مال حلالی با پول خمس مخلوط شد. خمس که مال جز اموال فرد نیست بلکه متعلق به سادات فقیر است. سادات نیز که معلوم‌المالک اند. اکنون حکم این مسئله چیست؟

طابق النعل بالنعل به همان صورت‌های قبل بازمی‌گردد که اگر با خمس مخلوط شد، در یک صورت حد مشخص است که در این صورت باید آن مقدار مشخص را از کل اموال خارج شود. صورت دیگر اینکه حد مشخص نیست، اینجا جایگاه احتیاط است و چون آن مال یا خمس یا زکات یا وقف خاص یا وقف عام است، این‌ها معلوم‌المالک است؛ اما معلوم‌المالکی که مالک آن متعدد است؛ مثلاً سهم سادات به سید می‌رسد. حالا سید در یک سید تعیین ندارد. یا اینکه زکات مصارف هشتگانه دارد. مواردش مشخص است و تعیین در یک فرد و یک مصرف ندارد. به یک معنا این موارد را معلوم‌المالک می‌گویند، ولی وقف خاص معلوم‌المالکی است که در همان مورد خاص تعیین دارد. مثل اینکه فردی بر فرزندانش وقف کرده یا بر مصرف خاص و مصرف معین وقف کرده است. تمام موارد مذکور در مقوله‌ی معلوم‌المالک گنجانده می‌شود و تفاوتشان با مجهول‌المالک در این است که مجهول‌المالک حق مالکی است که ناشناس است اما

در اینجا معلوم المالک است، مالک از مصارف هشت‌گانه زکات است، مالک این مال وقف عام، یا خاص است و با آن مالک ناشناس فرق می‌کند.

سابقاً عرض شد که اگر مالی با مالی که مالک مشخص دارد مخلوط شود، نمی‌توان با خمس دادن آن را تحلیل کرد. باید رضایت مالک جلب شود. اگر مالک به رحمت خدا رفته است نیز باید ورثه مالک را پیدا کرد و رضایت آنان را جلب کرد. لذا بحث پرداخت خمس در جایی است که مالک مشخص نباشد، حال سؤال اصلی این است که آیا این مال با پرداخت خمس حلال می‌شود؟ یا اینکه در اینجا تکلیف همان تکلیف قبل است؟

برخی از فقها در این مسئله قائل به احتیاط‌اند و می‌فرمایند: تا حدی که اطمینان حاصل شود که خمسی که در آن مال بود، رفته است، باید از آن مال پرداخت شود؛ و برخی دیگر از فقها می‌فرمایند: به آن حدی که احتمال داده می‌شود به وظیفه عمل شده است باید پرداخت شود.

دو مطلب در اینجا مطرح است. یکی ابراء الذمه یعنی برائت ذمه‌ی یقینی، «اشتغال یقینی يستدعی فراغ اليقینی»^۱ مثل اینکه می‌فرمایند: آن‌قدر بپردازد که مطمئن شود برائت برایش حاصل شده است، یعنی آن‌قدر پرداخت کند که یقین برایش حاصل شود که ذمه‌اش از خمسی یا زکاتی یا وقف خاصی که در اموالش آمده است، خالی شده است.

مسئله «لو كان الحرام المختلط في الحلال من الخمس»^۲ حرام مخلوط با حلال ما شد، حرام مثل چه چیزی؟ مثل اینکه: خمس بر کسی که واجد دریافت نیست حرام است، خمس تعریف مشخصی دارد، زکات هم مصارفش مشخص است، کسی که بر مصرف زکات منطبق نیست، نمی‌تواند در زکات تصرف کند و این حرامی است که در اموال فرد آمده است، یا مالی که وقف خاص است مثلاً وقف بر اولاد است و به فرد دیگر ارتباطی ندارد، یا اینکه وقف عام است که آن مال باید صرف ساختن بناهای خیر مثلاً ساختن مسجد بشود. یا موارد دیگری که این‌ها انطباقی با فرد ندارد و این‌ها وارد اموالش شده است و اموال حلالش مخلوط به حرام شده است، آیا می‌تواند آن را نیز با خمس دادن حلال کرد؟ «فهو كمعلوم المالک علی الأقوی» ایشان

۱. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۱۱۷، دار المنتظر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق. اصول الفقه، ج ۱، ص ۷۱.

۲. موسوعه الامام الخوئی، الخوئی، السید ابوالقاسم، ج ۲۵، ص ۱۷۱.

می‌فرماید: مواردی که ذکر شد «معلوم المالك على الأقوى» مثل معلوم المالك است. چطور جایی که مالک مشخص است، باید مالک را راضی کند و نمی‌تواند زکات مظالم دهد و آن را بابت خمس پرداخت کند، در این چهار مورد نیز اگر خمس با زکات یا وقف خاص یا وقف عام در اموال کسی آمد، مثل معلوم المالك است. آنجا مالک فرد مشخص بود، اما اینجا مالک ارباب خمس، زکات یا موقوف علیهمی که وقف خاص یا وقف عام به آن‌ها تعلق می‌گیرد، هستند. فقط تفاوت در این است که در آن مورد مالک خاص است اما اینجا امکان دارد مالک جماعتی باشند. «فهو كمعلوم المالك على الأقوى، فلا يجزئه إخراج الخمس حينئذٍ» این مورد بنابر قول قوی‌تر همچون معلوم المالك است و هیچ فرقی ندارد و صاحبان خمس مشخص‌اند، البته نه مشخص شخصی، مشخص عنوانی، عنوان مشخص است که مالک این خمس کیست، اکنون حکم چیست؟ حکم این است که باید به حدی که دیگر متوجه شود که اصاله البرائه جاری شده است پردازد. «فلا يجزئه إخراج الخمس حينئذٍ»

تقریباً همه‌ی فقها در این مسئله اتفاق نظر دارند و قول اختلافی نیز نیست؛ یعنی همه این نظر را دارند که اگر مال حلال مخلوط به حرام معلوم المالك شد، باید رضایت مالک جلب شود. در اینجا نیز مالک مشخص است ولی مشخص عنوانی است، مسئله این است که فرد فرد صاحبان خمس را نمی‌توان راضی کرد، پس به حدی باید پردازد که به این باور برسد که ذمه‌اش از تعلق دین خارج شده است و رفع تکلیف شده است.

صاحب جواهر می‌فرماید: «ولو كان الاختلاط من أخماس أو زكوات فهو كمعلوم الصاحب في وجه قوی، وفي الكشف ان الأقوى كونه كالسابق»^۳ اگر مالی با خمس یا زکات مختلط شد، مثل جایی است که صاحب آن مال مشخص است. در آنجایی که صاحب مشخص بود وظیفه این بود که به‌هرحال صاحب‌مال را راضی کند. اینجا هم معلوم صاحب است، ولی معلوم الصاحبی که عنوانا مشخص است. ایشان این عبارت را از مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا نقل می‌کنند: «وفي الكشف أن الأقوى كونه كالسابق»^۴ مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا می‌فرماید: از نظر من اقوی این است که اموال مخلوط با خمس یا زکات مثل مجهول‌المالك

۳. جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۱۶، ص ۷۷.

۴. أنوار الفقاهة فی أحكام العترة الطاهرة (كتاب الخمس و الأنفال)، مکارم الشیرازی، الشیخ ناصر، ج ۱، ص ۱۹۶.

است. آنجایی که مال مجهول‌المالکی در اموالش وجود داشت و مالک مشخص نبود، حکم این بود که این اموال مخلوط با خمس دادن حلال می‌شود. ایشان در کشف الغطا می‌فرماید: اقوی این است که «کونه کالسابق» اختلاط زکات یا اخماس همانند اختلاط با مجهول‌المالک است و اگر مالی با خمس مخلوط شد و حد این اختلاط مشخص نباشد طبق نظر مرحوم کاشف الغطاء با خمس دادن پاک می‌شود. «ولو كان الاختلاط مع الأوقاف فهو كمعلوم الصاحب فی وجه قوی» ظاهراً مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء بین خمس و زکات و وقف عام و وقف خاص، قائل به تفصیل شده است. ایشان می‌فرمایند: خمس و زکات به مجهول‌المالک ملحق می‌شود و احکامی هم که آنجا به مجهول‌المالک بار می‌شود بر این‌ها نیز بار می‌شود. ولی در اوقاف ایشان می‌فرمایند «كمعلوم الصاحب»، اوقاف و وقف عام و وقف خاص چون صاحبان این‌ها مشخص است، اموالش با خمس دادن پاک نمی‌شود و باید حتماً برائت ذمه‌ی یقینی کند.

البته به مرحوم کاشف الغطاء این ایراد وارد است که چرا مسئله‌ی خمس را به مجهول‌المالک، ملحق می‌کنند؟ مجهول‌المالک یعنی کسی که اصلاً مشخص نیست، اما مسئله‌ی خمس که مصرفش و مالکش مشخص است، همچنین زکات را نیز نمی‌توان به مجهول‌المالک ملحق کرد، درحالی‌که در اینجا مالکین زکات مشخص است، چه در زکات فطره، چه زکات غلات، چه زکات‌های دیگر معلوم‌المالک‌اند. این نکته حائز اهمیت است که گاهی مالک یک نفر است و گاهی ممکن است مالک شیوع داشته باشد، مثلاً وقتی گفته می‌شود، مالک این پول فلان طایفه است؛ باز هم معلوم‌المالک است؛ اما معلومی که بین تعداد متعددی انصراف دارد. لذا این موارد را نمی‌توان به‌جایی که از اساس ما مالک مشخص نباشد، ملحق کرد. البته این نظر فقط نظر مرحوم کاشف الغطاء است و نظر صاحب جواهر نیز با نظر صاحب العروه یکی است.

معاصرینی همچون آیت‌الله‌العظمی خوئی و دیگران نیز همین نظر را دارند. فقط مرحوم کاشف الغطاء به این تفکیک قائل می‌شوند که «أنَّ الأقوی کونه کالسابق» زکات و خمس همچون مجهول‌المالک است و وقف عام و وقف خاص همچون معلوم‌المالک است. این تفصیلی است که فقط ایشان قائل بدان هستند.